



عصیان بابایی‌ها و باجیان روم

ترجمه
پروفسور احمد انصار اوجاق

ترجمه
دکتر محمدتقی امامی خویی

تهران، ۱۴۰۲



عصیان بابایی‌ها و باجیان روم

تألیف: پروفیسور احمد یاشار اوجاق

ترجمہ: دکتر محمد تقی امامی خویی

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیر نشر: خلیل قویدل

ویراستار: ملیحه سرخی کوهی خیلی

چاپ اول: ۱۴۰۲

شمارگان: ۷۰۰

چاپ و صحافی: تقویم

ردیف انتشار: ۱۰۹

۱۹۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۹۸-۱۰-۴

کلیه حقوق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید عباسپور، خیابان رستگاران، شهر روز شرقی، شماره ۹

تلفن: ۸۸۶۷۶۸۶۱ - ۳ نمایه: ۸۸۶۷۶۸۶۱

web: www.ptc.ac.ir

سرشناسه:	اوجاق، احمد یاشار، ۱۹۴۶ - م. Ocak, Ahmad yasar
عنوان و نام پدیدآور:	عصیان بابایی‌ها و باجیان روم / نوشته احمد یاشار اوجاق؛ ترجمه محمد تقی امامی خویی
مشخصات نشر:	تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، انتشارات، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری:	۳۱۰ صفحه
فروست:	پژوهشکده تاریخ اسلام: ۱۰۹
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۷۳۹۸-۸۱-۴
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه
موضوع:	ایران - تاریخ - سلجوقیان روم، ۴۷۰ - ۷۰۷ ق. - جنبش‌ها و قیام‌ها Iran - History - Seljuks of Rum, 1037 - 1077 - Protest movements
شناسه افزوده:	امامی خویی، محمد تقی، ۱۳۱۸ -، مترجم
رده‌بندی کنگره:	DSR ۸۵۱/۵۱
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۰۵۳۲
شماره کتابشناسی ملی:	۹۳۱۹۰۳۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی:	فیا

سخن اول

تاریخ هر امت و جامعه‌ای بیانگر فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عناصری روشن و بدون ابهام است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه و هنر و نقش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشگاه‌ها و دانشمندان غربی را برپا داشته و راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به‌رغم توجه ویژه پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، به علت انحراف ذاتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور از تحریف به منابع اصیل، و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پس‌زمینه‌های یک تحقیق علمی جامع، آغاز حرکتی اساسی و همه‌جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفته‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک تغییرات بنیادی در مسیر این گونه مطالعات در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می‌باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و

رشته‌های پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده همکاری با همه کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، وجهه همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله آنهاست. البته برنامه‌هایی همچون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی و حمایت از پروژه‌های پژوهشی مورد نیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجراست که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آنها افزایش یابد.

این مرکز، هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که ان شاء الله به زودی تعداد آنها به بیست برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم‌سابقه پژوهشکده، تأسیس دانشنامه جغرافیا، تاریخ و زبان اسلام است که به‌زودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یکی از استادان در هفت گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با منابع اصلی آن در پایگاه اینترنتی عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکده تاریخ اسلام به وسیله پایگاه اینترنتی خود با همه پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. این پایگاه، علاوه بر انعکاس همه فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهنده فعالیت‌های علمی انجام شده توسط مراکز و سحاحین دیگر در این رشته است. با فعال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع و همه‌جانبه، که انعکاس‌دهنده همه آثار موجود در زمینه تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانه تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال‌تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه تلاشگران در راه حق و حقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنم.

سیدهادی خامنه‌ای

رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۷
کوتاه نوشت‌ها	۱۳
پیشگفتار مؤلف	۱۵
پیشگفتار مؤلف برای چاپ دوم	۱۷
پیشگفتار مترجم	۱۹
علوی گری در آنا تولی	۲۴
بخش اول	۲۹
فصل اول	۳۱
بابایی‌ها و علت عصیان بابا رسول	۳۱
۱. عوامل اصلی	۳۱
۱-۱. اقتصادی	۳۱
۱-۲. مسائل اجتماعی و روانی	۳۶
۲. عوامل تأثیرگذار	۳۹
۲-۱. شرایط دینی مناسب	۳۹
۲-۲. مناسب بودن شرایط سیاسی	۴۲
فصل دوم	۴۷
ایدئولوژی و هزینه اجتماعی عصیان بابایی‌ها	۴۷
۱. هزینه اجتماعی	۴۷
۱-۱. شرکت کنندگان	۴۷

۴۷	۱-۱-۱. ترکمن‌های چادر نشین و دهقانان.....
۵۴	۱-۱-۲. غارتگران و ماجراجوها.....
۵۴	۱-۲. اداره کنندگان: شیوخ و دراویش بدعت گرا.....
۵۴	۱-۲-۱. جگونگی مهاجرت دراویش به آنا تولی.....
۵۸	۱-۲-۲. گروه‌های دراویش بدعت گرا و طریقت‌های آنها.....
۵۸	الف. قلندری‌ها.....
۶۲	ب. یسوی‌ها.....
۶۶	ج. حیدری‌ها.....
۶۷	د. وفایی‌ها.....
۶۹	۲. ایدئولوژی عصیان: مهاس کرای هم‌هانگ کننده اسلام بدعت گرا.....
۷۷	فصل سوم.....
۷۷	عصیان بابایی‌ها.....
۷۷	۱. دربارهٔ هویت بابا رسول رئیس عصیان.....
۸۵	۲. بابا الیاس خراسانی.....
۸۵	۱-۲. زندگینامهٔ بابا الیاس.....
۸۶	۲-۲. هویت صوفیانهٔ بابا الیاس.....
۸۹	۱. دده قارقین.....
۸۹	۲. تاج‌العارفین سید ابوالوفای بغدادی.....
۹۰	۱-۲-۳. بابا الیاس و دده قارقین.....
۹۲	۲-۲-۲. بابا الیاس، تاج‌العارفین سید ابوالوفای بغدادی و وفایی‌گری.....
۹۶	۳. بابایی‌ها یا عصیان بابا رسول.....
۹۶	۱-۳. شخصیت کاریزماتیک بابا الیاس و اعضایش: «رسول»، «ولی»، «مهدی».....
۱۰۴	۲-۳. آماده شدن عصیان.....
۱۰۴	۱-۲-۳. مرحلهٔ تبلیغات.....
۱۰۵	۲-۳-۳. واسطه‌هایی که توسط بابا الیاس برای تبلیغات عصیان به کار گرفته می‌شدند.....

- ۳-۲-۳. مناطق تبلیغاتی ۱۰۷
- ۳-۲-۱. آناتولی مرکزی ۱۰۷
- ۳-۲-۲. جنوب شرقی آناتولی ۱۰۹
۱. تجمع گسترده قبایل ترکمن: ۱۱۱
۲. توصیف مناسب ابعاد دینی این عصیان ۱۱۱
- ۳-۳. بابا اسحاق و نقش او در عصیان ۱۱۲
- ۳-۳-۱. هویت بابا اسحاق ۱۱۲
- ۳-۳-۲. موضوع و نقش بابا اسحاق در عصیان ۱۱۴
- ۳-۴. شروع عصیان: کس است آن ۱۱۶
- ۳-۴-۱. بروز اختلاف شدید و اغاث‌الدین کیخسرو دوم و بابا الیاس ۱۱۶
- ۳-۴-۲. شروع عصیان از طرف بابا اسحاق و گسترش آن ۱۱۷
- ۳-۴-۳. نبرد آماسیه و مرگ بابا اسحاق ۱۲۰
- ۳-۵. سرکوب عصیان: نبرد مالیا و مرگ بابا اسحاق ۱۲۵
- فصل چهارم ۱۳۱
- تجزیه و تحلیل عصیان بابایی‌ها ۱۳۱
۱. جهت عمومی عصیان. شورش دهقانی یا عصیان نجات‌بخش ترکمن‌ها؟ ۱۳۱
۲. جهت سیاسی عصیان: آیا هدف بابایی‌ها به دست‌گیری حکومت است؟ ۱۳۵
۳. جهت دینی عصیان: از تلفیق بدعت‌گرایی - ارتدوکسیه استفاده بود؟ ۱۳۶
- ۳-۱. آیا عصیان بابایی یک حرکت شیعی نبوده است؟ ۱۳۶
- ۳-۲. عصیان بابایی مذهبی نبوده، بلکه یک حرکت سیاسی و اجتماعی بوده است ۱۳۸
- ۳-۳. عصیان بابایی‌ها جنگ علیه بدعت‌گرایان و ارتدوکسیه نبوده، بلکه پیا خاستن چادر نشینان علیه شهر نشینان و اقتدار سیاسی آنها بوده است ۱۴۱
۴. عصیان بابایی‌ها و عصیان‌های قبلی شبیه آنها ۱۴۲
۵. عصیان بابایی و ده‌ها حرکت نجات‌بخش بعدی شیعه: ۱۴۵
- ۵-۱. عصیان شیخ بدرالدین و عصیان‌های اواسط قرن شانزدهم در آناتولی مرکزی ۱۴۵

۱۴۹	فصل پنجم
۱۴۹	ادامه عصیان‌های دینی صوفیانه بعد از عصیان: حرکت بابایی و مشخصات آن
۱۴۹	۱. ادامه عصیان
۱۴۹	۱-۱. فعالیت‌های مخلص‌پاشا و قرامان‌ها
۱۵۴	۱-۲. بابایی‌ها و عصیان جمیری
۱۵۵	۲. خلفای بابایی و ظهور حرکت‌های بابایی
۱۵۵	۲-۱. فعالیت خلفای بابا الیاس
۱۵۶	۲-۱-۱. شیخ عثمان، عین‌الدوله، حاجی مهمان، باغ‌دین حاجی
۱۵۷	۲-۱-۲. شیخ بالی
۱۵۷	۲-۱-۳. شیخ اده بالی
۱۶۰	۲-۱-۴. امیر جم یا امیر جی سلطان و شرف‌الدین اسماعیل
۱۶۰	۲-۱-۵. حاجی بکاش ولی
۱۷۱	۲-۲. خلفای مخلص‌پاشا
۱۷۲	۳. سایر شیوخ بابایی و فعالیت آنها
۱۷۲	۳-۱. ساری سائق
۱۷۹	۳-۲. بارات بابا
۱۸۳	۳-۳. آیینک بابا (شیخ آیینگی)
۱۸۵	۳-۴. بابا مرنندی (بوزاغو بابا)
۱۸۶	۳-۵. ثاب‌دوق بابا (تاب‌دوق امره)
۱۸۸	۳-۶. شیخ سلیمان ترکمانی
۱۹۰	۴. دومین و سومین نسل شیوخ بابایی؛ ابدالان روم
۱۹۳	۴-۱. گئیکلی بابا
۱۹۵	۴-۲. ابدال موسی (موسی بابا)
۱۹۹	۴-۳. گومرال ابدال (گومرال بابا)
۲۰۰	۴-۴. ابدال مراد

۲۰۱	۵. ابدالان روم و عثمانیان اولیه
۲۰۳	۶. مشتقات بابایی‌ها
۲۰۳	۶-۱. بابایی‌ها و بکاشیان
۲۰۵	۶-۲. بابایی‌ها و علویان
۲۰۷	نتیجه
۲۰۹	بخش دوم
۲۱۱	نهضت یا غائله
۲۱۱	نهضت یا غائله
۲۲۵	بخش سوم
۲۲۷	فصل اول
۲۲۷	سازمان باجیان آناتولی
۲۲۷	پیشگفتار مؤلف
۲۳۱	مقدمه مؤلف
۲۳۳	منابع و نقدها
۲۳۸	نخستین رهبر شناخته شده سازمان باجیان
۲۳۹	فاطمه باجی: همسر آخی اورن
۲۵۱	زندگی فاطمه باجی
۲۵۱	دوران کودکی و رشد
۲۵۴	بازگشت فاطمه باجی از اسارت و رفتن او پیش شوهرش آخی اورن
۲۵۵	فاطمه باجی در ارقلی
۲۵۸	فاطمه باجی در صولوجه قرالویوق
۲۶۰	فوت فاطمه باجی
۲۶۳	فصل دوم
۲۶۳	سازماندهی باجیان آناتولی
۲۶۳	چگونگی شکل‌گیری باجی و آخی

۲۶۷	شرایط مناسب اجتماعی و تجاری باعث ضرورت شکل‌گیری و گسترش سازمان باجیان شد.....
۲۶۹	چرا قیصریه؟.....
۲۷۱	برخی حوادث سیاسی اخیان و باجیان.....
۲۷۵	فصل سوم.....
۲۷۵	فعالیت باجیان.....
۲۷۶	انتساب در حرفه و صنایع.....
۲۷۷	ریسندگی و بافندگی.....
۲۸۱	فعالیت نظامی باجیان.....
۲۸۲	مهمان‌نوازی.....
۲۸۳	فعالیت دینی و تصوف باجیان.....
۲۸۷	نتیجه.....
۲۸۹	سالشمار تاریخی آسیای صغیر.....
۲۹۳	پیوست‌ها.....
۲۹۵	منابع و مأخذ.....
۳۰۱	نمایه.....

پیشگفتار مؤلف

در مملکت ما [ترکیه]، اغلب در تحقیقات تاریخی منتشر شده چند سال اخیر، متأسفانه بیان حقایق با تعصب و مقاصد ایدئولوژی‌های خاص صورت گرفته است؛ به‌خصوص بعضی از مورخان حرفه‌ای وابسته، با استفاده از عناصر ارزشمند فرهنگی و شخصیت‌های ادبی و تاریخی نظیر مولوی، حاجی بکناس‌خان، یونس امره و یاقیام‌هایی نظیر بابایی‌ها و شیخ بدرالدین، برخی حوادث تاریخی را بدون نگاه بر منابع اصلی و به دور از یک روش علمی و تنها برای به کرسی نشاندن ایدئولوژی خاص خود، به رشته تحریر درآورده‌اند. این افراد شخصیت‌های تاریخی مورد نظر را از شرایط تاریخی زمانشان جدا کرده و با پافشاری هرچه تمام‌تر سعی در تطبیق و انتشار عقاید آنها بر ایدئولوژی‌های روزمره داشته‌اند. چنین تلاش‌هایی نه تنها به فرهنگ مملکت فایده‌ای نمی‌رساند، بلکه باعث زیان رساندن به فرهنگ جامعه نیز می‌شود. امروزه اگر این نوع تحقیقات گسترش پیدا کرده، مسئولیت آن متوجه علما و دانشمندان است؛ زیرا اینها می‌توانستند با منطق علمی خود از گسترش این نوع تحقیقات جهت‌دار جلوگیری کنند و امکان عرض اندام به نوشته‌های آنها را ندهند.

بدین ترتیب، تحقیقات خود در چارچوب چنین نظریه‌ای را طی سال‌های ۱۹۷۴-۱۹۷۸ در «انستیتو ترکی‌شناسی دانشکده علوم انسانی» استراسبورگ به صورت رساله

دکتری آماده کردم که دانشگاه مذکور به چاپ آن اقدام کرد. سپس تصمیم به چاپ ترکی آن نیز گرفته شد. موضوع رساله قیام بابایی‌هاست که علاوه بر آنکه در تاریخ سیاسی، اجتماعی و دینی آناتولی نقش برجسته‌ای دارد، در تاریخ قیام‌های مردم آناتولی نیز نقطه آغازین شمرده می‌شود؛ که به نظر می‌رسد تحقیقی مدقانه و موشکافانه در نیمه اول قرن سیزدهم در تاریخ سلجوقیان آناتولی است. با وجود آنکه تا امروز بعضی از مورخان داخلی و خارجی، گاهی بررسی این موضوع را به دست گرفته‌اند، پژوهش همه‌جانبه‌ای که بتواند به اندازه کافی موضوع را روشن کند، صورت نگرفته است؛ که البته باید معترف به پیچیدگی و دشواری کار نیز بود. طبعی است که کمبود و ناکافی بودن منابع آن دوره نیز مؤثر بوده و نقش مهمی داشته است. از این رو، ما نیز در اینجا ادعایی مبنی بر کامل بودن این تحقیق نداریم، بلکه اثر پیش رو بررسی و تحقیقی است برای روشن کردن جایگاه قیام بابا رسول یا بابا در قرن سیزدهم میلادی و نقش این قیام در مسلمان شدن آناتولی. امید است که این بررسی راهگشای تحقیقات بعدی برای هرچه روشن‌تر شدن این مسئله باشد.

در این تحقیق سعی شده است با توجه به امکانات موجود، عوامل گوناگون حادثه نیز مورد بررسی قرار گیرد؛ همچنین به روشن شدن شخصیت رهبر قیام و تجزیه و تحلیل ماهیت قیام پرداخته شده است. در مقدمه‌ای که بر نسخه اصلی این بررسی نوشته شده، به معرفی انتقادی منابع موضوع پرداخته‌ایم که در اینجا برای کاستن از حجم اثر، از آوردن آن صرف نظر کرده و تنها به صورت کرنولوژی به بررسی‌هایی که تا به امروز در این مورد انجام شده، اشاره کرده‌ایم. همچنین با توجه به اطلاعاتی که تا به امروز در اختیار داشته‌ایم، سعی شده است موضوع به اختصار بیان شود.

در اینجا لازم می‌دانم از راهنمایی‌های استادان گران قدری چون کلود کاهن، مرحوم عثمان توران، مرحوم عبدالباقی گلپینارلی و همچنین ایرنه ملیکوف که هرگز از راهنمایی و تشویق مضایقه نکردند، تشکر و قدردانی کنم. از مؤسسه «انتشارات درگاه» نیز به خاطر چاپ این اثر سپاسگزارم.

احمد یاشار اوجاق

بیشگفتار مؤلف برای چاپ دوم

چرا به چاپ جدید اقدام کردیم؟ این را باید بگوییم که از زمان چاپ اول کتاب تا به امروز، انتقادهای بحق و نابحق به بعضی از موضوعهای چاپ اول شده است که برای روشن کردن و اغنای انتقاد کنندگان نوشتن مجدد کتاب را لازم دانستم. توانستم مشکلات بدعت‌گرایی نحلهٔ سنکرتیسم را نشان دهم. از طرفی با گذشت زمان در بعضی از نظرات و دیدگاه‌های خود روشنی و قطعیت به دست آوردم که به اصلاح آنها پرداختم. علاوه بر اینها در ترکیه و خارج از ترکیه دربارهٔ موضوع بررسی‌های جدیدی صورت گرفت که اینها را با دقت بررسی کردم. همچنین در چاپ اول بعضی سائلی که هیچ قید نشده بود ضرورتش به میان آمد مطرح ساختن نقش علویان و بکاستان و تاثیرات آنها در این عصیان با استفاده از منابع و اسناد مدارک صورت گرفت یک ناگنج جدید در این چاپ منابع مهم ترجمه‌شده راجع به عصیان بابائی‌ها اعم از عربی، فارسی، لاتین و ترکی و اضافه کردن مطالب آنها که در فاصلهٔ دو چاپ به میان آمده بود. این منابع هیچ استفاده نشده و یا اگر استفاده شدند روی آنها یک مورخ حرفه‌ای به صورت جدی کار نکرده و یا با تفسیرهای سودجویانه با اشتباهاتش منتشر نموده است بعد از این خصوصیات شمرده شده، نایاب شدن کتاب در بازار را از نظر گذرانده پس از اصلاحات نیاز به چاپ جدید گردید که در مقایسه با چاپ اول بسیار متفاوت می‌باشد. در صورت مشاهدهٔ اشتباه در تفسیر و دیدگاه‌ها یادآوری خوانندگان درخواست جدی ماست.

احمد یاشار اوجاق

پیشگفتار مترجم

سلجوقیان در اوایل قرن یازدهم میلادی حکومت خود را تشکیل دادند. پیش از آنها حکومت‌های ترک مسلمان دیگری، طغرل‌غزنویان و قراخانیان وجود داشتند. اوغوزها اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده سلجوقیان بودند که در نیمه دوم قرن دهم میلادی اسلام را پذیرفتند. در این زمان هنوز معتقدات شمنی خاندان آل سلجوق به اسلام تغییر نیافته بود. سلجوقیان از شاخه «قنق»^۱ اوغوزها بودند و از «آل جدشان» «دقاق» یک شمن بوده است. شمن یک شخصیت دینی بود و سعی داشت مشکلات اجتماع را از طریق ارتباط با ارواح حل و فصل کند. شمن در عین حال که شاعر و حکیم بود نوازندگی و خوانندگی را نیز برعهده داشت.^۲ شمن در میان اقوام آسیای مرکزی به نام‌های مختلف مشهور بود. تونقوزها «شمن»، ترکان آلتایی «قام»، یاقوت‌ها «اویون»، قرقیزها «بخشی» (یا باکسی) و اوغوزها «اوزان» می‌گفتند. پس از قبول اسلام توسط ترکان، نقش دینی شمن‌ها را باباها عهده‌دار شدند. شمن برای حاکم شدن بر ارواح شریر، از سحر و جادو استفاده می‌کرد. همچنین آنها می‌توانستند با الهه‌های بهشتی ارتباط برقرار و نظر آنها را جلب کنند. آنها معتقد بودند انسان فقط از طریق شمن‌ها می‌تواند زندگی راحت و آرامی داشته باشد.

۱ قنق به معنی عزیز از فرزندان دینزخان از شاخه اوج اوق اوغوزها.

۲ البته نوازندگی و خوانندگی شمن‌ها کار و شغلی برای امرار معاش نیست، بلکه آن‌ها داستان‌ها و افسانه‌های حکمت‌آمیز بودا، کریشنا و راهبان مقدس را به صورت ترانه و آواز می‌خوانند. در حقیقت این یک مراسم دینی و روحانی است.

سلجوق پس از آنکه از سواحل سیحون به جند آمد، مسلمان شد. قبایل چادرنشین که مهم‌ترین عنصر کمک‌کننده به رؤسای سلجوقی بودند، به اسلام روی آوردند و به لقب «ترکمن» مشهور شدند. در پذیرفتن اسلام ترکان، عواملی نظیر آشنایی ترکان با «تائری» (خدای آسمان) و فرهنگ برتر دنیای اسلام نقش عمده‌ای داشت. همین‌طور این حرکت دنیای اسلام که شمشیر را از دست ترکان نگرفت، بلکه به آن جهت داد، مؤثر واقع شد. همچنین مشکلات اقتصادی و فشار موج‌های پشت سر، امکان ورود آزادانه آنها به قلمروهای اسلامی را فراهم کرد.

ترکان پس از ورود به ایران و حرکت در مسیر غرب، به سوی آناتولی رفتند و در آنجا ساکن شدند. آنها با این مهاجرت‌ها هزاران کیلومتر از سرزمین اصلی خود دور شدند و سرزمین جدیدی را برای خود تدارک دیدند. فتوحات اولیه سلجوقیان و حوادث پس از آن زندگی شهری آناتولی را شکل داد. ولی در قرن سیزدهم میلادی دولت سلجوقی از نظر سیاسی و اقتصادی موقعیت خود را مستحکم کرد؛ با حاکمیت بر دریاهای شمال و جنوب و تأمین امنیت و همچنین اخذ مالیات کمتر، باعث رشد اقتصادی آناتولی گردید. براساس قانون ترکان، دولت مال مشترک اعضای خاندان می‌باشد. با شکست غزنویان در سال ۱۰۴۰م، سلجوقیان جانشین آنها شدند و قلمرو آنها در میان سه رئیس تقسیم شد که هر سه وابستگی خود را به خلیفه عباسی تجدید کردند. سلجوقیان در اداره مملکت با تجارب سلسله‌های هم‌عصر خود نظیر قراخانیان، غزنویان و عباسیان استفاده کردند و به‌وسیله حکومت غزنویان را الگوی کار خود قرار دادند. بدین ترتیب، تجارب آداب و رسوم ایران اسلامی را در سازمان‌های اداری، نظامی و اقتصادی به کار بستند و موجودیت خود را آشکار کردند و دولتمردان ایرانی همانند گذشته اداره بخش‌های حساس جامعه را نسل اندر نسل در دست داشتند. تربیت سرباز و فرمانده با سیستم غلامی و جایگزین کردن آنها به جای ترکمن‌ها، نقش ترکمن‌ها را که مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده دولت سلجوقی بودند، کم‌رنگ و آنها را به عامل درجه دوم تبدیل کرد. مدیران دستگاه دولتی به فرامین و سنن اسلامی پایبند بودند؛ چنان‌که دولت سلجوقی در مدت کوتاهی از یک دولت ترک به یک حکومت ترک مسلمان ایرانی تبدیل شد و در رأس دولت، سلطان جایگزین ریش‌سفید گردید و حاکمیت برتر دولت بین سلطان و خلیفه تقسیم شد.

با برقراری خویشاوندی میان سلطان و خلیفه، این ارتباط تنگ‌تر شد. سلاطین سلجوقی با داشتن عنوان «سلطان اعظم» و خوشحال از این موقعیت، ادارهٔ جامعه را به صورت کامل در دست گرفتند و با دادن قلمرو به شاهزادگان و اعضای خاندان، زمینهٔ حکومت نیمه‌مستقل آنها را فراهم کردند.

پس از تقسیم امپراتوری بزرگ سلجوقیان، در شکل‌گیری حکومت سلجوقیان آناتولی، نقش اصلی در دست ترکمن‌های اوغوز بود. ترکمن‌ها در قرن یازدهم میلادی در گروه‌های پرجمعیت مهاجرت خود را به آناتولی آغاز کردند. مهاجرت آنها باعث افزایش جمعیت و کمبود مراتع گردید. آنها برای پیدا کردن قلمرو و مراتع مناسب، با زن و بچه و گله‌های خود همواره در حال کوچ بودند. پروفیسور بارکان نوشته است: «کوچ‌های متمادی به آناتولی عملاً به فتح و فتح آناتولی انجامید و یک محل سکونت دائمی برای ترکان شد و همچنین باعث ترک شدن آنها گردید. قبایل ترک پس از ساکن شدن در آناتولی، همانند سرزمین اجدادی خود اسامی، زبان‌ها و کوه‌ها را عوض کردند. راه‌های گشوده شده به وسیلهٔ ترکمن‌ها، توسط جنگجویان سلاجوقی دنبال شد. این جنگجویان در سال ۱۰۸۵ م. پس از پایان بخشیدن به فتوحات خود، حکومت سلجوقیان روم را تشکیل دادند. پس از مرگ سلیمان فرزند قتلش (۱۰۷۷-۱۰۸۶ م) یک دههٔ کوتاه‌مدت فترت آغاز شد. در ایجاد دورهٔ فترت، امارت‌های محلی نقش مهمی داشتند. پس از سلیمان‌شاه، فرزندش قلیچ‌ارسلان اول (۱۰۹۲-۱۱۰۷ م) پس از نبرد با امیرنشین‌ها، در صدد احیای حاکمیت مرکزی برآمد و علیه صلیبیون دومین جنگ‌های خود را آغاز کرد. تا قرن سیزدهم میلادی برای برپایی حاکمیت مرکزی آناتولی تلاش فراوانی شد. از سلاطینی که برای جلوگیری از هجوم صلیبیون و حملات بیزانس و خطرات امیرنشین‌های دانشمند و ارتق کوشیدند، قلیچ‌ارسلان دوم بود (۱۲۰۴-۱۲۹۶ م) که امیرنشین دانشمند و سلیمان‌شاه دوم (۱۲۰۴-۱۱۹۶ م) امیرنشین ارزروم را از میان برداشت. در قرن سیزدهم شهر سینوب در سواحل شمالی آناتولی و شهرهای علائیه و انطاکیه در سواحل جنوبی تصرف گردید و سلجوقیان آناتولی به دریای مدیترانه رسیدند. این قرن دوران تشکیل و برپایی مرکزیت سلجوقیان آناتولی بود.

پروفسور خلیل ینانج^۱ دوران حاکمیت سلجوقیان آناتولی را به چهار بخش تقسیم کرده است:

۱. فتح آناتولی (۱۰۱۵ تا ۱۰۸۵م)؛
 ۲. مبارزات مرکزیت‌طلبی (۱۰۸۵ تا ۱۱۹۲م)؛
 ۳. ایجاد مرکزیت در آناتولی (۱۱۹۲ تا ۱۲۵۶م)؛
 ۴. ضعیف شدن سلجوقیان آناتولی و فروپاشی آنها (۱۲۵۶ تا ۱۳۰۸م).
- حدوداً از زمان علاءالدین کیقباد (۱۲۱۹-۱۲۳۷م) فعالیت امیرنشین‌ها آغاز شد. راه‌ها و کاروان‌سراها در میان شهرهای ثروتمند ایجاد شدند، ولی این دگرگونی‌های اقتصادی نصیب قشر خاصی از جامعه شد. ترکمن‌های بنیان‌گذار و گسترش‌دهنده دولت سلجوقی، در بدترین شرایط اقتصادی بسر می‌بردند و میان کانون‌های فقر و ثروت گسیختگی به وجود آمد. پروفسور آق‌داغ^۲ نوشت است: «سلجوقیان را در این مقطع می‌توان حکومت ثروتمندان بر فقیران ارزیابی کرد که همه امکانات دولت در دست دیوانیان بود. دولتمردان در داخل مملکت اقطاعاتی در دست داشتند. آن‌ها که در کنار این اراضی همه کانون‌های تجاری را نیز در دست گرفته بودند. این امر با افزایش ثروت خود، طرفداران زیادی به دور خود جمع کردند و بنای سرکشی گذاشتند. عنصر تأثیرگذار ترکمن پس از جدا شدن از اداره اقتصادی جامعه، به تدریج در اداره سیاسی نیز بیگانه شد. همین در امور نظامی با تشکیل سپاه غلامان و سپاهیان صاحب اراضی و جای دادن سپاهیان مزدور بیزانسی، ارمنی و عرب در هسته مرکزی سپاه، در صدد شکستن قدرت ترکمن‌ها برآمدند. حاکمیت سلجوقی با جدا افتادن از مردم، هر روز نسبت به افراد خود بیگانه‌تر شد. این رویه در مسائل دینی نیز اعمال شد؛ در حالی که ترکمن‌ها در مسائل سیاسی و اقتصادی به باباهای خود متکی بودند، عناصر دینی غیرترک بر خانقاه‌ها حاکم شدند و یک زندگی راحت را برگزیدند. همه امور اداری در دست ایرانی‌ها بود و سلاطین سلجوقی به زبان و ادبیات ایرانی علاقه‌مند بودند؛ چنان‌که بیشتر پادشاهان سلاجقه آناتولی از نام‌های اساطیری ایرانی استفاده می‌کردند. در دربار سلجوقی کنیزان گرجی و بیزانسی گوی سبقت را از دیگران ربوده بودند.

۱. پروفسور خلیل ینانج استاد دانشگاه استانبول، متخصص تاریخ ترک اسلام، به خصوص تاریخ سلجوقیان است.

۲. پروفسور مصطفی آق‌داغ استاد دانشگاه آنکارا، متخصص تاریخ اقتصادی و اجتماعی ترکیه می‌باشد.

غیاث‌الدین کیخسرو دوم (۱۲۳۷-۱۲۴۶م) به درخواست شاهزاده‌خانم مسیحی، کشیشان را به دربار راه داد و کلیسای کوچکی در دربار قونیه برای آنها ساخت. این سلاطین برای استحکام موقعیت خود، با بخشش قلمرو و اراضی دولت به امرا و فرماندهان، باعث توانمندی فتودال‌ها شدند و ترکمن‌ها که عنصر اصلی آنها را تشکیل می‌دادند، کنار گذاشته شدند. این مسئله باعث فقر اقتصادی آنها شد که رفته‌رفته در زمینه‌های سیاسی و دینی نیز خود را نشان داد و موجب جدایی دینی ترکمن‌ها به نام «دین مردمی و دین دولتی» گردید. جدایی‌های فرهنگی نیز روز به روز گسترش یافت و دولتمردان دربار قونیه برای احیای فرهنگ خود در مقابل فرهنگ مردمی، فعالیت خود را آغاز کردند.

تصوف در پایتخت و شهرهای بزرگ سلجوقیان، همانند مدرسه «اسکولاستیک»^۱ مورد قبول واقع شده بود و برای حفظ موجودیت خود، مجبور به وابستگی به دربار سلاطین سلجوقی بود. غیر از نفوذ در حمایت دربار، تصوف مردمی نیز که تمایل به تشیع و حفظ آداب و رسوم و سنن قدیم قبایل ترک را دربرداشت، در حال گسترش بود. مردم از تصوف مورد حمایت دربار که استکباری برای تصوف آنها به وجود می‌آورد؛ مکدر و دلگیر بودند؛ به‌طوری که طرفداران سولوی به باباها به دیده دشمن می‌نگریستند و آنها را به علت داشتن پایگاه مردمی، رقیب سرسخت خود می‌پنداشتند.

در مقابل تصوفی که در شهر قونیه و اطرافش با گسترش چشم‌خیز خود مشغول زندگی راحتی بود، طرفداران باباها که اکثراً از ایلات و دهات بودند، فقر و بدبختی به سر می‌بردند. بنابراین در تصوف نیز دو شاخه جداگانه شکل گرفت و قرار گرفتن دولت در کنار یکی از این شاخه‌ها، باعث پیدایش «تصوف دولتی، مردمی» گردید. این جدایی مشکلات اقتصادی را افزایش داد و منجر به برخوردهایی شد. برخوردهای اعتقادی با پیدا کردن زمینه با مشکلات اقتصادی هماهنگ گردید. گرچه در این مبارزه دین حکومتی به علت داشتن قدرت سیاسی در موقعیت برتر قرار گرفت و برتری خود را بر دین مردمی تثبیت کرد، ولی تصوف مردمی با مشخصات دینامیک خود برای حفظ و آزادی آناتولی

به شدت مبارزه می‌کرد. تصوف حکومتی وابستگی خود را به بیگانه محکم کرد. در نهایت، قونیه با برخورد خصمانهٔ باباها برای دستیازی به موقعیتی علیه آنها به هنگام هجوم مغول، از قدرت مغول علیه آنها بهره گرفت و سرانجام غیاث‌الدین کیخسروی دوم به سلطنت رسید. او با همکاری صلیبیون مسیحی، عوامل مردمی را بیش از پیش با خود بیگانه ساخت و زمینهٔ حرکت‌های مردمی را علیه حاکمیت سلجوقی با تمایلات شیعی فراهم کرد. با گسترش تصوف در خراسان در این دوره، شهرهایی نظیر همدان، نیشابور، مرو و بخارا محل تجمع صوفیان گردید و زمینهٔ نفوذ اسلام به ترکستان فراهم شد. ترکمن‌ها به پیران این طریقت‌ها لقب «باب» (بابا/آتا) داده بودند و گفته‌های آنها را از دل و جان می‌پذیرفتند؛ نظیر احمد یسوی که اندرزهایش امروز نیز در میان ترکمن‌ها رایج است. تغییر سیستم ارضی سلجوقیان به زیان مالکیت مشترک قایل، باعث شکل‌گیری طبقهٔ جدیدی از اشراف زمین‌دار گردید و تبدیل این اراضی به موقوفهٔ بیلاقی و قشلاقی، ترکمن‌ها را با مشکل مواجه کرد.

علوی‌گری در آناطولی

دوستاناران علی، ادامه‌دهندگان راه علی، شیعی‌تگانی علی دروازه‌های آناطولی پس از نبرد ملازگرد ۱۰۷۱ م، به روی ترکان گشوده شد. پس از این پیروزی، تعداد ترکان ساکن آناطولی زیاد بودند. آنها با اهالی محلی درآمیختند و در دهات ساکن شدند و به زندگی ساکن عادت کردند و نحوهٔ زندگی ساکنان محلی را یاد گرفتند و به کار صنایع دستی و کشاورزی مشغول شدند. در اوایل قرن سیزدهم، با آغاز حملات منظم از جانب آسیای مرکزی، بسیاری از دهات ویران گردید و مردم مجبور به ترک این نواحی شدند. با حاکم شدن مغولان بر خراسان، بسیاری از ترکمنان این نواحی نیز تنها راه نجات خود را در فرار به سوی غرب جست‌وجو می‌کردند؛ به همین دلیل بسیاری از قبایل ترک وارد آناطولی شدند و این بزرگ‌ترین موج مهاجرت ترکان پس از گسترش و استیلای مغولان بود. ترکان چادرنشین و نیمه‌چادرنشین اغوز و قارلوق که از مقابل نیروی چنگیزی فراری شده بودند، به آناطولی پناهنده شدند. آمدن این موج‌های مهاجر در قرن سیزدهم میلادی، از دیدگاه معتقدات، اقتصاد و فرهنگ در تاریخ آناطولی تأثیر عمیقی به جای گذاشت و زمینهٔ تحولات بعدی آناطولی را فراهم کرد.

مهاجران جدید آناتولی معتقدات پیشین خود را حفظ و از نفوذ فرهنگ ایرانی و عربی جلوگیری کردند و بدین ترتیب به قوانین خود پایبند ماندند. حاکمیت سلجوقی این قبایل را به صحراهای شرق و مرکز آناتولی سوق داد و آنها را در قلمرو کوچکی ساکن کرد. ترکمن‌ها در این نواحی قبایل جدیدی تأسیس کردند و به آداب و رسوم قبلی خود ادامه دادند. قلمروهای وسیعی در ارزنجان تا کوتاهیه و از جانقرو تا کوه‌های توروس به ترکمن‌ها اختصاص داده شد. در این زمان با آمدن دراویش دوره‌گرد به این نواحی و ساکن شدن آنها، طریقت‌های مختلفی پایه‌گذاری شد. در سال ۱۲۷۳ م. با مرگ مه‌لوی در قونیه، طریقت او شکل گرفت و بعدها این طریقت یکی از بانفوذترین طریقت‌های مصلوفه عثمانی گردید.

تصوف در قرن سیزدهم در میان قبایل ترکمن [چادرنشین و نیمه‌چادرنشین] گسترش زیادی پیدا کرد و تأثیراتی در رسم کهن و زندگی جدید آنها به جای گذاشت. در این زمان باباها نیز در میان آنها ظاهر شدند و یک اسلام ساده را در میان آنان منتشر کردند. قبایل ترکمن این اسلام ساده و سطحی را پذیرفتند و آن را با معتقدات شمنیسم خود درآمیختند. به سخنان بابا، آنا و دده‌ها گروان جان می‌سپردند و از صمیم دل به اجرا درمی‌آوردند. دراویشی که به آناتولی می‌آمدند از هر ریشه‌ای که بودند، به نام «خراسان ارنلری»^۱ مشهور می‌شدند. این دراویش با مناسب دیدن محل، به اتفاق طرفداران و خانواده اوجاق یا خانقاهی برای خود دایر می‌کردند و یا قلمرو رسم اطراف خانقاه خود را با اجازه دولت تصاحب می‌کردند؛ زیرا حکومت برای ساکن کردن این افراد در قلمروهای بی‌صاحب، امتیازاتی به آنها می‌داد؛ به‌طوری که در قرن سیزدهم سه طریقت بزرگ یسوی‌گری، قلندریه و حیدریه در آناتولی دارای نفوذ زیادی شدند.

در قرن سیزدهم، تقسیم اداره زمین در زمان حاکمیت سلجوقیان بهم خورد. سلجوقیان پس از ورود به آناتولی، براساس سنن قدیمی خود، تقسیم زراعی خاصی برقرار کردند؛ به این ترتیب که تمام اراضی اموال دولتی به حساب می‌آمد، ولی با شرایطی به افراد وابسته اراضی مخصوصی داده می‌شد. این مقدار اراضی نیز چندان قابل توجه نبود. از آن پس واگذاری اراضی به خادمان دولت نیز معمول گردید. فروش و واگذاری این اراضی ممنوع

بود و موروئی نیز نبود. در محدوده این اراضی که در دست امرا و مأموران دولتی بود، بسیاری از قبایل ترکمن زندگی می‌کردند که سالانه مبلغی را به نام مالیات به صاحبان اراضی می‌پرداختند و از این اراضی به صورت مرتع و بیلاق و قشلاق راه‌های خود استفاده می‌کردند. سلجوقیان ترکمن‌هایی را که بعد از حمله مغول وارد این نواحی شدند، با همین شرایط سکنی دادند.

در نیمه دوم قرن سیزدهم، صاحبان اراضی قدرت گرفتند و زارعان را به صورت کارگر استثمار کردند و یک گروه قدرتمند میان دولت زارعان شکل گرفت. اراضی واگذار شده در مقابل خدمات نظامی به صورت اراضی موقوفه تغییر یافت و به صورت ارث از پدر به پسر منتقل می‌شد. با گسترش اراضی موقوفه، اراضی دولتی کم شد و رؤسای قبایل برای پیدا کردن مرتع و بیلاق و قشلاق راه‌های خود دچار مشکل شدند. با آمدن قبایل جدید بعد از حمله مغول، معیت قبایل آناتولی زیاد شد و با وجود کمبود زمین برای مهاجران جدید، قبایل ساکن نیز حاضر به از دست دادن قلمرو خود نشدند. در نتیجه، دشمنی ساکنان قبلی با چادر نشینان جدید هر روز بیشتر می‌شد. در نهایت، میان آنها برخوردهایی اتفاق افتاد و دخالت حاکمان اراضی صورت گرفت. چادر نشینان در این برخوردها مقاومت کردند و به غارت دهات مسیر راه ورود پرداختند و کاروان‌های تجاری را مورد حمله قرار دادند. با دخالت حاکمیت، نبرد میان آنان از رشدی فزاینده یافت تکیه گاه حاکمیت سلجوقیان بیشتر متمایل به افراد ساکن شده بود و اداره مملکت به دست ایرانیان بود، ترکان ساکن نیز به فرهنگ ایرانی خو گرفته بودند. فرهنگ ایرانی و معتقدات اسلامی بر زندگی آنها حاکم شده بود؛ به همین دلیل آنها چادر نشینان را بدوی و ابتدایی تلقی می‌کردند و همنشینی با آنها را دوست نداشتند.

اختلاف چادر نشینان و ساکنان، تنها از بُعد اقتصادی نبود، بلکه از بُعد اعتقادی نیز با هم اختلاف داشتند. اهالی دهات با قبول مذهب تسنن، از حمایت رسمی دولت برخوردار بودند؛ در حالی که ترکمن‌ها مدرسه نداشتند و در نحوه زندگی نیز پایبند به آداب و رسوم زندگی مسلمانان اهل تسنن نبودند. ترکمن‌های جدید پیوند خود را با معتقدات قبلی خود حفظ کردند و از آنجا که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند، توانایی فهمیدن احکام و اعتقادات اسلامی را نیز نداشتند. اجرای دقیق مقررات اسلامی با نوع زندگی آنها سازگار نبود. در

مقابل، باباها در میان آنها حضور داشتند و به آنها تعلیمات ابتدایی اسلام را که با زندگی آنها مناسب بود، یاد می‌دادند. با این همه، سنن شامانیزم به جای مانده از قبل را نیز حفظ و اجرا می‌کردند. در نتیجه پس از مدتی، تغذیه فکری ترکمن‌های چادرنشین را باباها عهده‌دار شدند و بدین ترتیب، پایگاه محکمی در میان ایلات و عشایر پیدا کردند به این امید که با فروپاشی سلجوقیان آناتولی، رهبری سیاسی قبایل ترکمن را نیز در دست خواهند گرفت.

قیام بابایی‌ها از طرف سلجوقیان با یاری گرفتن از جنگجویان مسیحی در آناتولی سرکوب شد، اما بلافاصله پس از سرکوب، در حرکت‌های علویان و بکناشیان ادامه یافت که بن‌مایه‌اش از احادیث ایران قدیم و ترکان شمنیسم بود. آنها در گروه‌های کوچک و بزرگ بسیاری نظیر سناویه، چند و جلالی به اتفاق علویان و ترکمن‌های چینی و ورساق - با کلاه دوازده شیاری - راه می‌رفتند. افراد با نام‌های مختلف ایشیق، تورلاق، قلندر، ابدال، ملحد، حیدری، باطنی و قزلباش را در این حرکت‌ها حضور داشتند که با شورش شاهقلی آغاز شده بود و طی قرون شانزده تا هجده میلادی ادامه داشت. گفتنی است حتی پادشاهان اولیه عثمانی، نظیر اورهان‌غازی و عثمان میران، گروه‌های تصوفی حمایت می‌کردند.

در سال ۱۸۲۶م. با قتل عام ینی‌چری‌ها، بیش از یکصد خانقاه آنها از بین رفت و ۲۷ خانقاه آنها به نقشبندیه واگذار شد. قزلباشان از قرن هجده به علوی مشهور شدند. در زمان جنگ‌های استقلال، آتاترک با مهمان شدن در خانقاه بکناشیان را ایجاد هماهنگی میان آنها، زمینه را برای ورود علویان به مجلس فراهم کرد و فعالیت آنها را بازگسترش یافت که امروزه نیز علویان صادق‌ترین دوست آتاترک و جمهوری ترکیه می‌باشند.

قندیل لجه سی قندیل اولوروز / قندیل ایچینده قیل اولوروز / حق قی گوستر مگه دلیل اولوروز / فقط کوراولانلار گورمز لر بو حالی

در شب قندیل، قندیل می‌شویم / در داخل قندیل قتیله می‌شویم / برای نشان دادن حق، دلیل می‌شویم / تنها نابینایان این حال را نمی‌بینند.

محمد تقی امامی خویی